

مطالعه چگونگی بازتاب رابطه شر و آئین قربانی برای آب در ادبیات نمایشی دهه های چهل و پنجاه با تمرکز بر دیدگاه باتای (نمونه های موردی نمایشنامه ناگهان هذا حبیب الله مات فی حب الله هذا قتیل الله مات بسیف الله از عباس نعلبندیان و فرشته شکسته بال از ابراهیم مکی)

شهرام احمدزاده، فرگل دهکردی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

صفحه ۷۳ تا ۸۵

Doi: 10.22034/theater.2025.550461.1142

چکیده

این پژوهش به بررسی مسئله شر در اساطیر ایران با تمرکز بر اسطوره های مرتبط با آب و با بهره گیری از نظریه ژرژ باتای می پردازد. باتای، شر را نه صرفاً غیاب خیر، بلکه نیرویی فعال، تراژیک و در پیوند با امر قدسی تلقی می کند. بر پایه این رویکرد، مفهوم شر در اساطیر ایرانی فراتر از تقابل های اخلاقی تفسیر شده و به منزله نیرویی بنیادین در ساختار هستی فهمیده می شود. اسطوره تیشتر نمونه ای بارز در این زمینه است؛ جایی که قربانی های اهورامزدا نه تنها نیرویی حیات بخش، بلکه کنشی اخلاقی و قدسی در جهت بازگرداندن نظم کیهانی به شمار می آیند. نبرد تیشتر و آپوش نیز، برخلاف تفسیرهای صرفاً طبیعی، واجد ابعاد اخلاقی و متافیزیکی است و بازتابی از حضور شر در جریان حیات و نظم کیهان به شمار می رود. الگوی مشابهی در اسطوره ایندرا و ورپتره در سنت هندی مشاهده می شود؛ جایی که کنش قربانی و کشتار، منجر به بازگشت تعادل و سامان هستی می گردد. این مفاهیم در دو نمایشنامه ناگهان اثر عباس نعلبندیان و فرشته شکسته بال نوشته ابراهیم مکی نیز بازتاب یافته اند. در ناگهان، عناصر حیات بخش به نیروهای ویرانگر بدل می شوند و قربانی شدن فریدون به ضرورتی تراژیک و هستی شناختی تعبیر می گردد. در فرشته شکسته بال، مفهوم قربانی با فرایند آگاهی و رهایی از محدودیت های انسانی پیوند می یابد؛ تجربه ای مشابه رهایی از غار افلاطونی. هر دو اثر، با وجود تفاوت های فرمی، بر این نکته تأکید دارند که شر و قربانی از مؤلفه های بنیادین در درک امر قدسی و نظم هستی هستند. در این چارچوب، شر نه نیرویی صرفاً ویرانگر، بلکه واسطه ای برای ادراک امر قدسی، کسب آگاهی و بازسازی نظم کیهانی تلقی می شود.

واژگان کلیدی: شر و قربانی، اسطوره آب، تیشتر، آپوش، نمایشنامه ایرانی دهه پنجاه، ژرژ باتای

۱. کارشناس ارشد رشته ادبیات نمایشی، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: shahram13592000@gmail.com

۲. کارشناس رشته ادبیات نمایشی، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
Email: fargol.dk@gmail.com

۱. درآمد

پژوهش حاضر درصدد تحلیل و مقایسه نقش اسطوره آب در ایران پیش از اسلام و ایران پس از ظهور اسلام و بازتاب آن در آثار نمایشی معاصر است. مسئله اصلی تحقیق این است که چگونه اسطوره‌ها و باورهای کهن ایرانی، در قالب مفاهیم اساطیری مانند تیشتر، نماد باران و حیات، و اسطوره دینی روز عاشورا، در شکل‌گیری روایت‌های نمایشی و بازنمایی مسئله شر و قربانی در آثار عباس نعلبندیان و ابراهیم مکی تأثیرگذار بوده‌اند. در ایران باستان، کمبود باران و خشکی اقلیمی سبب شده است که آب به عنوان عنصری حیاتی و مقدس شناخته شود و در قالب اسطوره‌هایی مانند تیشتر نمود یابد. جان راسل هینلز در توصیف تیشتر می‌نویسد: «تیشتر در اوستا، ایزد باران، باروری و پاکی است که در نبرد سالانه با اپوش، دیو خشکسالی، درگیر می‌شود» (هینلز، ۱۳۸۳: ۷۶ و ۷۷). در این روایت، آب نمادی از حیات، پاکی و پیروزی خیر بر شر است و نبرد تیشتر با اپوش، بازتاب نیازهای زیستی انسان ایرانی در مواجهه با محدودیت‌های طبیعی است. از منظر هینلز، این اسطوره‌ها نه تنها نمایانگر باورهای دینی، بلکه بازتابی از تعامل انسان با محیط زیست و تلاش برای کنترل و فهم نیروهای طبیعی هستند. ظهور اسلام، نگاه اسطوره‌ای به آب و عنصر حیات در قالب اسطوره دینی عاشورا ادامه یافت و در تاریخ و فرهنگ ایران بازنمایی شد. عاشورا، رویدادی تاریخی در دهم محرم سال ۶۱ هجری، در سطح نمادین به اسطوره‌ای از فداکاری، ایثار و مقاومت در برابر ظلم تبدیل گردید. چنانکه مدرس طباطبایی (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲، صفحه ۳۷) می‌نویسد: «عاشورا نه تنها صحنه‌ای از تقابل نیروهای خیر و شر است، بلکه ایستادگی امام حسین(ع) در برابر محرومیت از آب، نمادی از تمنای حقیقت و حیات معنوی محسوب می‌شود». عنصر عطش در واقعه کربلا، فراتر از محرومیت جسمانی، نشانه طلب

حقیقت و رستگاری انسان است (چلکوفسکی، ۱۳۸۴، صفحه ۳۰) از این منظر، می‌توان مشاهده کرد که تمهیدات اسطوره‌ای و مذهبی در تاریخ ایران نه تنها در بستر مذهبی بلکه در فرهنگ عامه و حافظه جمعی ایرانیان ادامه یافته‌اند و بر شکل‌گیری ادبیات و هنر نمایشی معاصر تأثیرگذار بوده‌اند. نمایشنامه‌هایی مانند *ناگهان* از عباس نعلبندیان و *فرشته شکسته‌بال* از ابراهیم مکی، با بهره‌گیری از تمثیل‌ها و نمادهای اساطیری و مذهبی، بازنمایی این الگوهای کهن را در چارچوب روایت‌های معاصر ارائه می‌دهند. همچنین، مسئله شر و قربانی در این نمایشنامه‌ها بازتاب مستقیم نگرش اسطوره‌ای و مذهبی است. ژرژ باتای در تحلیل مفهوم شر و قربانی می‌نویسد:

«قربانی، به عنوان نمادی از تزاخم میان خیر و شر، می‌تواند زمینه‌ساز تجربه حیات معنوی و آگاهی جمعی شود» (باتای، ۱۳۹۹: ۵۶).

در آثار نعلبندیان و مکی، شخصیت‌هایی همچون فریدون و مسعود، در قالب قربانی، کارکردی حیاتی و نمادین در روایت پیدا می‌کنند؛ قربانی شدن آنان نه تنها موجب تحول شخصیت‌ها، بلکه زمینه‌ساز رشد معنایی و اخلاقی جامعه نمایشی است. بیان مسئله پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل اسطوره آب و عناصر مذهبی در ادبیات نمایشی ایران می‌تواند ارتباط میان فرهنگ کهن، تاریخ دینی و نگرش‌های معاصر را روشن سازد و به درک بهتر ساختارهای نمادین و معنایی نمایشنامه‌ها کمک کند. این مسئله به‌ویژه در بستر اجتماعی ایران که همواره رابطه پیچیده‌ای میان اسطوره، دین و زندگی روزمره برقرار بوده است، اهمیت دوچندان می‌یابد. پرسش‌های پژوهشی این مطالعه بر اساس اهداف اصلی تحقیق و مسئله اساسی آن تدوین شده‌اند. هدف پژوهش، تحلیل و بررسی نقش اسطوره آب و مفهوم قربانی در ایران باستان و پس از اسلام، و بازتاب آن در نمایشنامه‌های معاصر است.

پرسش‌های پژوهش

- چگونه اسطوره آب در ایران باستان و ایران پس از ظهور اسلام شکل گرفته و بازنمایی شده است؟

این پرسش، به شناسایی و تحلیل مفاهیم اسطوره‌ای و دینی مرتبط با عنصر آب و نیروی حیات بخش می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه نیازهای زیستی انسان ایرانی و تجربیات تاریخی، در قالب اسطوره‌های نمادین، همچون تیشتر و واقعه عاشورا بازتاب یافته است (نصر، ۱۳۷۴: ۵۲).

- مقایسه اسطوره‌ای میان شخصیت‌ها و رخدادهای پیش از اسلام و پس از آن، در قالب ادبیات نمایشی، چگونه امکان‌پذیر است؟

این پرسش به تحلیل تطبیقی شخصیت‌ها و نمادهای اسطوره‌ای در آثار نمایشی مانند *ناگهان و فرشته شکسته‌بال* می‌پردازد. به‌ویژه، نقش شخصیت‌هایی مانند فریدون و مسعود و مقایسه آنها با تیشتر و امام حسین (ع) از منظر قربانی مقدس و مبارزه با شر، محور این بررسی است.

- نقش قربانی و مفهوم شر در بازنمایی اسطوره‌ای و مذهبی نمایشنامه‌ها چیست؟ با توجه به تحلیل ژرژ باتای، قربانی، به عنوان نمادی از تراحم میان خیر و شر، زمینه‌ساز تحول معنوی و آگاهی جمعی است. این پرسش به بررسی چگونگی تجلی این مفهوم در ساختار دراماتیک و شخصیت‌پردازی نمایشنامه‌ها می‌پردازد.

- چگونه اسطوره‌ها و مفاهیم دینی می‌توانند در قالب نمایشنامه‌های معاصر، بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی باشند؟

این پرسش به درک نحوه تعامل میان باورهای کهن، رویدادهای تاریخی و مسائل اجتماعی معاصر می‌پردازد و تحلیل می‌کند که چگونه نمایشنامه‌ها از طریق نمادها و استعاره‌ها، تجربه‌های تاریخی و فرهنگی را به

مخاطب منتقل می‌کنند.

پرسش‌های مذکور، پژوهش را قادر می‌سازند تا هم ابعاد تاریخی و اسطوره‌ای و هم ابعاد ادبی و نمایشی موضوع را بررسی کند. بدین ترتیب، مطالعه حاضر با هدف کشف ارتباط میان اسطوره، دین، هنر و جامعه، در چارچوبی علمی و منسجم انجام می‌گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

مطالعه مفهوم «شر» همواره یکی از مسائل اصلی در حوزه‌های اسطوره‌شناسی، دین و ادبیات بوده است. شناخت شر در متون هنری، می‌تواند به درک ما از الگوهای ذهنی جوامع کمک کند. از سوی دیگر، اساطیر ایرانی به‌ویژه در رابطه با عناصر طبیعت مانند آب، دارای ویژگی‌های دوگانه خیر و شر هستند. همچنین نمایشنامه‌نویسی مدرن ایرانی با بهره‌گیری از زبان آیینی و اسطوره‌ای سعی کرده تا تجربه‌های انسان معاصر را در قالب‌های اسطوره‌وار بازسازی کند. در این میان، نظریه ژرژ باتای درباره شر و تقدس، بستری نوین را برای خوانش دوباره مفاهیم اسطوره‌ای در متون نمایشی فراهم می‌آورد. در ادامه، برای تبیین بهتر مبانی نظری پژوهش، به بررسی موردی اسطوره آب در ایران و تحلیل نظریه «شر» از دیدگاه ژرژ باتای می‌پردازیم.

۱.۲. مطالعات مرتبط با اسطوره آب در فرهنگ ایران

جان هینلز در کتاب *اساطیر ایران*، اسطوره ایرانی نبرد تیشتر و اپوش را به این شکل مطرح می‌کند که تیشتر، ایزد باران، به شکل اسبی سفید به دریای فراخکرت فرو می‌رود و با اپوش، دیو خشکسالی، سه شبانه‌روز می‌جنگد اما شکست می‌خورد. او به اهورامزدا شکایت می‌کند که بی‌توجهی مردم به نیایش و قربانی، موجب ضعف او شده است. اهورامزدا خود قربانی می‌دهد و تیشتر با نیروی تازه از ده اسب، شتر، گاو نر، کوه و رود، اپوش را شکست می‌دهد. با کمک مینوی

می‌شود. در اوستا، لفظ اهورا برای خدایان و دیو برای پلیدی‌ها است اما در هند دیوا به ایزدان نیکی و آسورا (هم‌ریشه اهورا) برای اهریمنان استفاده می‌شود (بیگی، ۱۴۰۰: ۳۲).

در ادامه، به منظور تبیین جنبه‌های نظری پژوهش، مفهوم «شر» از منظر ژرژ باتای، نظریه‌پرداز برجسته فرانسوی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۳. مطالعات مرتبط با نظریه شر ژرژ باتای

ژرژ باتای در کتاب *ادبیات و شر*^۱ با تحلیل آثار نویسندگانی چون امیلی برونته^۲، مارسل پروست^۳ و مارکی دوساد^۴، به بررسی ماهیت شر در ادبیات و تجربه انسانی می‌پردازد. او دو نوع شر را از هم متمایز می‌کند: یکی شری که از عملکرد نادرست انسان و نتایج مخرب آن ناشی می‌شود، و دیگری شری که حاصل تخطی آگاهانه از تابوهای اساسی مانند قتل است.

باتای سادیسم را شکل خالص شر می‌داند؛ چراکه لذت در آن به نابودی دیگری و مرگ ختم می‌شود. برای او، شر نه صرفاً ابزار دستیابی به منفعت، بلکه امری لذت‌بخش و درونی است. او همچنین شیطان را نه فقط رویای شروران، بلکه تا حدی بازتاب میل امر خیر نیز می‌بیند.

در نهایت، باتای با نفی جدایی مطلق خیر و شر، شر را جزئی از نظام طبیعت می‌داند؛ همان‌طور که مرگ شرط حیات است، شر نیز بخشی از بنیاد هستی است و نمی‌توان آن را بیرون از چارچوب عقل یا طبیعت دانست.

در ادامه، به بررسی و تحلیل نمایشنامه‌های منتخب این پژوهش پرداخته می‌شود.

۲.۴. مطالعات مرتبط با نقد و تحلیل دو

نمایشنامه ناگهان (هنا حبیب‌الله مات فی حب الله هنا قتل الله مات بسیف الله) از عباس نعلبندیان وفرشته شکسته‌بال از ابراهیم مکی

در نقد و تحلیل‌های محدودی که از نمایشنامه *ناگهان* نعلبندیان (نعلبندیان-۱۳۵۰)

باد، ابرها را پراکنده می‌کند و بر هفت اقلیم باران می‌بارد. این چرخه سالانه در تیر یشت نماد تغییر فصول و تقابل خشکسالی و باران است.

مهرداد بهار در کتاب *پژوهشی در اساطیر ایران*، به رابطه تیشتر، اپوش، اسپنجروش^۲ (دیو ساکن ابرها) و مینوی باد می‌پردازد و منشأ همه جانوران و حشرات موزی را زهر باقیمانده از خرفستان^۳ می‌داند که موجب شوری دریای گیلهانی شده‌اند. در اوستا، تیشتر ایزد باران و اپوش دیو خشکسالی است و اسطوره آب، هم‌زمان نماد حیات و نبرد سالانه طبیعت شمرده می‌شود. با توجه به هم‌پوشانی‌های اسطوره‌ای و فرهنگی میان ایران و هند، در ادامه اسطوره آب در فرهنگ هند بررسی می‌شود.

۲.۲. مطالعات مرتبط با اسطوره آب در فرهنگ هند

در اسطوره‌های هند، نبرد ایندرا^۴ و وریتره^۵ مشابه نبرد تیشتر و اپوش در ایران است. ایندرا، خدای توفان و آسمان، با گرز آذرخش خود با اهریمنان می‌جنگد و گاه شکست می‌خورد. نیروی او از سه عامل قربانی، نوشیدنی سکرآور سومه^۶ و ریاضت افزایش می‌یابد که این سه به عنوان تثلیث قدرت شناخته می‌شوند؛ امری که اهریمنان از آن محروم‌اند. ورونیکا ایونس در کتاب *اساطیر هند*^۷ به این موضوع اشاره می‌کند. همچنین در مقاله دیگری نیز این‌گونه عنوان شده است که ایندرا، وریتره را که به صورت ماری بر کوه گیلهانی چنبره‌زده است شکست می‌دهد و آب‌ها و باران را رها می‌کند و کوه‌ها را متلاشی می‌سازد، این کار او منجر به آزادی گاوهای محبوس در کوه گیلهانی می‌شود (بارانی و خانی، ۱۳۹۲: ۲۰).

در زمان جدایی دو قوم هند و ایرانی، علاوه بر تشابهات موجود در اساطیر، تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود به عنوان مثال خدای ایرانی در اندیشه هندی، اهریمن یا دیو است و هر خیر در آیین زرتشت به شر و پلیدی در هند تبدیل

مات فی حب الله هذا قتیل الله مات بسیف الله از عباس نعلبندیان و فرشته شکسته بال از ابراهیم مکی است که به دلیل برخورداری از بار اسطوره‌ای و بازتاب شر، انتخاب شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها، ابتدا عناصر اسطوره‌ای آب و شر در نمایشنامه‌های مذکور استخراج شده است و سپس با اسطوره آب ایرانی تطبیق داده شده است و در نهایت تحلیل مفهومی شر و قداست بر پایه نظریه ژرژ باتای صورت گرفته است. این پژوهش با تکیه بر تحلیل اسطوره‌ای دو نمایشنامه، تلاش می‌کند بازتاب مفاهیم شر، قربانی و قداست را در متون نمایشی ایرانی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، با تمرکز بر نظریه ژرژ باتای مشخص کند.

۴. چارچوب نظری

تحلیل این پژوهش بر اساس نظریه شر ژرژ باتای (Georges Bataille) شکل گرفته است. باتای، فیلسوف و نظریه‌پرداز فرانسوی، در آثار خود شر را صرفاً به عنوان پدیده‌ای اخلاقی یا سیاسی نمی‌بیند، بلکه آن را نیرویی بنیادین و غیرقابل اجتناب در تجربه انسانی می‌داند که با مرزهای عقلانی و نظم اجتماعی در تعارض است (باتای، ۱۳۹۹: ۲۰). از نظر باتای، شر نه تنها در اعمال آشکار خشونت یا ظلم تجلی می‌یابد، بلکه در ساختارهای پنهان، فراموش شده و نمادین جامعه و فرهنگ نیز حضور دارد.

باتای، شر را با مفهوم قربانی مقدس پیوند می‌دهد و آن را تجربه‌ای می‌داند که در آن فرد یا جامعه با برخورد مستقیم با نیروهای ویرانگر، امکان تجربه‌ای نو و تحول معنوی پیدا می‌کند. در این چارچوب، قربانی، چه به شکل اجتماعی، چه به شکل مذهبی یا اسطوره‌ای، نه صرفاً هدف خشونت، بلکه عاملی برای بازتولید حیات، نظم یا آگاهی است. به عبارت دیگر، قربانی شدن، عمل صرفاً منفی یا تخریبی نیست؛ بلکه در بافت نمادین، موجب بازسازی ارزش‌ها و ساختارهای فرهنگی می‌شود.

وجود دارد، همگی به وجوه نمادین آن و همچنین زبان خاص آثار نعلبندیان اشاره کرده‌اند و می‌توان گفت پژوهش تطبیقی درباره ارتباط این اثر و داستان فریدون که خود اقتباسی از نبرد تیشتر و اپوش است تاکنون صورت نگرفته و همچنین نمایشنامه فرشته شکسته بال (مکی-۱۳۴۳) به دلیل محدودیت چاپ و نایاب بودن، به طور کلی کمتر مورد توجه مخاطبین نمایشنامه‌ها بوده و تحلیل‌گران و منتقدان کمتر به آن توجه نشان دادند.

این پژوهش مدعی است که نخستین مطالعه تحلیلی و تفسیری در حوزه تطبیق اسطوره (تیشتر و اپوش) با نمایشنامه‌های ناگهان اثر عباس نعلبندیان و فرشته شکسته بال نوشته ابراهیم مکی است که به صورت مستقیم به بازنمایی مسئله شر در این متون می‌پردازد. در این تحقیق، با تحلیل تطبیقی نحوه حضور و عملکرد نیروهای شر و خیر در اسطوره و آثار نمایشی مذکور، تلاشی صورت گرفته تا یکی از خلاهای نظری موجود در حوزه ارتباط میان اسطوره و درام معاصر فارسی، به ویژه در زمینه مسئله شر، پوشش داده شود. بدین ترتیب، این مطالعه می‌کوشد چشم‌اندازی نو در پیوند میان ادبیات اسطوره‌ای و نمایشنامه‌نویسی مدرن فارسی بگشاید و سهمی در گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای ایفا نماید.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی و توصیفی انجام شده است. تحلیل داده‌ها با روش تأویل متون نمایشی و مطالعه تطبیقی اسطوره‌ای صورت گرفته است. اطلاعات و داده‌های این مقاله به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند و منابع در انتهای گزارش آورده شده است. جامعه پژوهش شامل متون نمایشی ایرانی دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی با بار اسطوره‌ای و فلسفی می‌باشد و نمونه پژوهش به صورت هدفمند و گزینشی شامل دو نمایشنامه ناگهان (هذا حبیب‌الله

امکان درک عمیق‌تر مخاطب از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند. با توجه به این چارچوب نظری، مطالعه حاضر قادر خواهد بود تا اسطوره آب، واقعه عاشورا و شخصیت‌های نمایشی معاصر را در یک بستر تحلیلی منسجم و علمی مورد بررسی قرار دهد و رابطه میان شر، قربانی و تحول فرهنگی-معنایی را در متون مورد مطالعه آشکار سازد.

۳.۱. نمایشنامه‌ها

با توجه به نظریه مورد نظر، دو نمایشنامه انتخاب شدند که تقریباً در یک بازه زمانی شکل گرفته‌اند و در آنها موضوع اسطوره و مفهوم شر مورد بررسی قرار گرفته است.

۴.۱.۱. خلاصه نمایشنامه ناگهان (هندا حبیب‌الله مات فی حب الله هندا قتیل الله مات بسیف الله) از عباس نعلبندیان

نمایشنامه ناگهان روایت زندگی فریدون، معلمی است که به‌انتهام تجاوز از مدرسه اخراج شده و به خانه‌ای بزرگ با همسایگانی متفاوت نقل مکان می‌کند. او تنها با دختر مهری، فاطمه، ارتباط برقرار می‌کند و علاقه‌مند به آموزش ادبیات به اوست. همسایگان به‌خاطر چمدان مرموز فریدون و تصور داشتن پول زیاد، تصمیم به کشتن او می‌گیرند، در حالی که چمدان تنها کتاب است. این اثر، با فضای ابزورد و خارج از زمان و مکان کلاسیک، فریدون را در ظهر عاشورا قربانی گناه جمعی همسایگان می‌کند. (نعلبندیان، ۱۳۵۰)

۴.۱.۲. خلاصه نمایشنامه فرشته شکسته بال از ابراهیم مکی

داستان در روستایی اطراف میگون رخ می‌دهد و مسعود و مینو همراه مادرشان، مریم، به خانه خانوادگی می‌روند. مریم برای جلوگیری از ساخت پلی بر زمین‌هایش، مردم روستا را از طریق یک روحانی علیه برادرش حسین تحریک

باتای همچنین بر این باور است که شر و خشونت، تجربه‌ای محدود به واقعیت مادی نیست، بلکه با فرایندهای روانی، نمادین و فرهنگی نیز گره خورده است. وی معتقد است که در اسطوره‌ها و آیین‌های مذهبی، حضور شر و مواجهه با آن، تجربه‌ای حیات‌بخش ایجاد می‌کند؛ چراکه با قربانی شدن فردی به‌ظاهر بی‌گناه، جامعه یا طبیعت امکان تداوم و بازتولید می‌یابد (باتای، ۱۳۹۹: ۵۳). در این پژوهش، نظریه باتای برای تحلیل نمایشنامه‌ها و شخصیت‌ها به کار گرفته می‌شود تا نشان دهد چگونه عنصر شر و قربانی شدن در متن‌های نمایشی بازنمایی شده و تغییر یا آگاهی جمعی را ممکن می‌سازد. از منظر این چارچوب، شخصیت‌هایی همچون فریدون در نمایشنامه ناگهان و مسعود یا حسینعلی در فرشته شکسته بال به‌مثابه قربانیان اجتماعی و نمادین عمل می‌کنند. قربانی شدن آنها نه‌تنها تراژدی شخصی نیست، بلکه عاملی برای ایجاد آنتی‌تز در متن نمایشی و رسیدن به سنتز معنایی و تحول فرهنگی محسوب می‌شود.

بنابراین، چارچوب نظری پژوهش بر اساس موارد زیر استوار است:

- **شر به عنوان نیروی بنیادین:** شر در زندگی انسان و فرهنگ‌ها اجتناب‌ناپذیر است و اغلب در قالب خشونت، ظلم یا تضاد ظاهر می‌شود، اما نه‌تنها منفی، بلکه زمینه‌ساز تحول است.
- **قربانی مقدس:** قربانی شدن فرد یا شخصیت در متن، ابزار نمادین برای بازسازی معنایی، اجتماعی و روانی جامعه است.
- **بازتاب شر در اسطوره و آیین:** اسطوره‌ها و آیین‌های دینی، همچون اسطوره آب یا واقعه عاشورا، نمونه‌های تاریخی و فرهنگی مواجهه با شر هستند که به تداوم حیات و فرهنگ کمک می‌کنند.
- **کارکرد نمایشی شر:** در نمایشنامه‌ها، قربانی شدن شخصیت‌ها و حضور شر، باعث ایجاد آنتی‌تز و تحول معنایی می‌شود و

و شر است؛ جایی که عنصر آب نقش محوری دارد. به دستور یزید، دسترسی امام حسین(ع) و یارانش به آب مسدود می‌شود تا فشار جسمی و روانی بر آنان وارد گردد، اما ایستادگی امام در برابر این محرومیت، او را به نماد مقاومت، حقیقت و حیات معنوی بدل می‌کند. در این روایت، عطش نه تنها محرومیتی جسمانی، بلکه نشانه تمنای حقیقت و رستگاری است (چلکوفسکی، ۱۳۸۴: ۴۵). در این اسطوره، امام حسین(ع) مظهر خیر و عدالت است و همانند کهن‌الگوهای اساطیری، قربانی شدن او موجب تداوم زندگی و بیداری معنوی می‌شود (شربعتی، ۱۴۰۲: ۶۴). از این رو، عاشورا را می‌توان تبلور کهن‌الگوی «قربانی مقدس» دانست که در آن مرگ جسمانی به حیات روحانی تبدیل می‌گردد. عنصر آب نیز در این واقعه بازتاب همان نیروی حیاتی است که در اسطوره تیشتر مایه رستگاری و باروری بود (نصر، ۱۳۷۴: ۴۹). عاشورا در آیین‌های سوگواری، تعزیه و مرثیه به حیات خود ادامه داده و به بازآفرینی نمادین نبرد ازلی خیر و شر در حافظه جمعی ایرانیان بدل شده است.

در «جدول ۱»، اسطوره آب در ایران پیش از اسلام و پس از آن مورد مقایسه قرار گرفته است. در ادامه، با تکیه بر نتایج این مقایسه و در چارچوب نظریه شر ژرژ باتای، به تحلیل دو نمایشنامه منتخب مقاله پرداخته می‌شود.

۵.۱.۲. تحلیل نمایشنامه‌ها با نگاه به نظریه ژرژ باتای

با آنکه زمان نگارش دو نمایشنامه ناگهان و فرشته شکسته‌بال به یکدیگر نزدیک است و هر دو در بستر زمانی مشابهی پدید آمده‌اند، اما از منظر سبک نوشتاری، ساختار روایی و زبان دراماتیک تفاوت‌های بنیادینی میان آنها مشاهده می‌شود. فرشته شکسته‌بال بیشتر بر تمهیدات رئالیستی و موقعیت‌های روزمره تمرکز دارد، درحالی‌که ناگهان با بهره‌گیری از عناصر نمادین و زبان شاعرانه، به فضایی اسطوره‌ای و استعاری

می‌کند. این تنش به درگیری منجر شده و در جریان آن عباسعلی، برادر حسینعلی را می‌کشد. درنهایت، مردم روستا به عمارت مریم هجوم می‌برند، اما روحانی با روضه خواندن آنها را آرام می‌کند و حسین از میان جمعیت فرار می‌کند. (مکی، ۱۳۴۳)

۵- بحث و بررسی

۵.۱. یافته‌های پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی نقش اسطوره و مفهوم شر در متون نمایشی ایران و بازتاب آن در اسطوره‌های دینی و ملی، به تحلیل تطبیقی اسطوره آب در ایران پیش و پس از اسلام و همچنین تحلیل دو نمایشنامه ناگهان اثر عباس نعلبندیان و فرشته شکسته‌بال اثر ابراهیم مکی می‌پردازد.

۵.۱.۱. اسطوره آب در ایران پیش و پس از اسلام

جان راسل هینلز در توصیف تیشتر، تصویری منطبق با ویژگی‌های او در اوستا ارائه می‌دهد. تیشتر در این متون، ایزد باران، باروری و پاکی است که در نبرد سالانه با دیو خشکسالی، اپوش، درگیر می‌شود. هینلز با اشاره به اقلیم خشک ایران، شکل‌گیری چنین اسطوره‌هایی را بازتاب نیاز زیستی انسان ایرانی به باران می‌داند؛ نیازی که پیوند میان زندگی طبیعی و باورهای اسطوره‌ای را آشکار می‌سازد. در این نگرش، باران صرفاً پدیده‌ای طبیعی نیست، بلکه عنصری مقدس و حیاتی است که نماد زایش، پاکی و پیروزی خیر بر شر به شمار می‌رود. با «ظهور اسلام»، این نگرش اسطوره‌ای در بستر فرهنگ ایرانی ادامه یافت و در واقعه عاشورا بازتابی تازه یافت. عاشورا، که در دهم محرم سال ۶۱ هجری در کربلا رخ داد، در سطح تاریخی، رویدادی سیاسی-دینی است، اما در بُعد نمادین به اسطوره‌ای از فداکاری و ایثار تبدیل شد (چلکوفسکی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). در چارچوب نگرش اسطوره‌ای، کربلا صحنه‌ای از تقابل نیروهای خیر

جدول ۱. مقایسه اسطوره آب در ایران پیش و پس از اسلام.

مؤلفه	اسطوره آب در ایران باستان	اسطوره آب در ایران بعد از ظهور اسلام
نبرد	نبرد تیشتر، حامی و نگهبان آب و باران با اپوش دیو خشکسالی	نبرد امام حسین (ع) به عنوان مظهر حق و زندگی با یزید به عنوان نماینده ظلم و تباهی
موضوع	پیروزی نیروی حیات، زایش و پاک‌ی بر نیروی خشکی و نابودی	فداکاری و ایستادگی در برابر ظلم برای تداوم حقیقت و حیات معنوی دین
کمک‌ها	مینوی باد یکی از همراهان تیشتر در این نبرد است و اسپنجروش، دیوی که در ابرها زندگی می‌کند و به اپوش کمک می‌کند. اهورامزدا برای تیشتر قربانی می‌دهد و او این قربانی نیرو می‌گیرد.	امداد الهی و ایمان درونی امام و یارانش که عطش و مرگ را به نماد رستگاری تبدیل می‌کند.
ارتباط باشر	اهورامزدا برای نیرومندی تیشتر قربانی می‌دهد و این یک قربانی مقدس است. نبرد تیشتر و اپوش اخلاقی است.	شر در چهره یزید و سپاه او ظاهر می‌شود که با قربانی شدن امام حسین (ع) بیداری و حیات معنوی در جامعه جریان می‌یابد.

در صحنه دوم، تقی اشاره می‌کند: «آدم غریبیه. نیست حسین آقا؟ هیچ وقت با هیچ کس حرف نمی‌زنه. یا لوله یا تو فکر» (نعلبندیان، ۱۳۵۰: ۱۸).

این دیالوگ‌ها نشان می‌دهند که شخصیت‌ها فریدون را غیرعادی و غریب می‌پندارند و همین بیگانگی زمینه‌ساز شکل‌گیری علاقه فاطمه به او می‌شود. در صحنه‌های بعدی، دیگران تصمیم می‌گیرند فریدون را بکشند:

«خاکش می‌کنیم، می‌گیم رفته بیرون، برنگشته» (نعلبندیان، ۱۳۵۰: ۵۵ و ۵۶).

این عمل را می‌توان آیین قربانی اجتماعی تلقی کرد؛ قربانی‌ای که در بستر مناسبات اجتماعی و با پوشش طمع و سوءظن رخ می‌دهد. در این ساختار نمایشی، فریدون با پذیرش نقش قربانی، سازوکار تحول را فعال می‌سازد و امکان عبور از ایستایی به سوی پویایی و تحول پایانی را فراهم می‌آورد.

۲- تحلیل فرشته شکسته بال اثر ابراهیم مکی

این نمایشنامه نیز در روز عاشورا اتفاق می‌افتد و شخصیت حسینعلی قربانی می‌شود. شخصیت مسعود، که شغل کتابداری دارد، سعی می‌کند جامعه را از جهل و توهم نجات دهد.

نزدیک‌تر می‌شود. با این وجود، هر دو اثر در روز عاشورا رخ می‌دهند که خود واجد بار معنایی و فرهنگی عمیقی در بستر تاریخ و حافظه جمعی ایرانیان است. استفاده از نمادها و ارجاعات به اسطوره‌های ایرانی و مفاهیم مذهبی در هر دو نمایشنامه نه تنها به غنای معنایی آنها افزوده، بلکه نشان‌دهنده تلاش نویسنده برای پیوند زدن تجربه‌های معاصر با لایه‌های عمیق‌تری از وجوه اساطیر ایرانی و مذهبی می‌باشد.

۱- تحلیل ناگهان اثر عباس نعلبندیان

در نمایشنامه ناگهان، شخصیت اصلی فریدون است که در روز عاشورا قربانی می‌شود. فریدون به مثابه یک قربانی، نقش ایجاد آنتی‌تز را ایفا می‌کند و مشابه کهن‌الگوهای اسطوره‌ای، قربانی شدن او موجب تحول در روند داستان و جامعه نمایشی می‌گردد.

در صحنه اول، فاطمه درباره فریدون می‌گوید: «یه پارچه آقاست. ماهه. یک کمی شبیه معلم ادبیاتمونه. به همه سلام می‌کنه اما به هیچ کس نگاه نمی‌کنه. سرش پایینه و به کار هیچ کس کار نداره... البته مادرم هیچ وقت جلوی من چیزی نمی‌گه. چرا که می‌دونه من، من خیلی از فریدون خان خوشم می‌آد» (نعلبندیان، ۱۳۵۰: ۸).

در پرده اول، مسعود به حسین می‌گوید: «شما اگر کمی انصاف داشته باشید حرف من را تصدیق خواهید کرد... خورده مالک‌های اینجا را با زور و پول بیرون کردید. رابطه خودتان با فامیل قطع کردید و دنبال اشخاص سرشناس راه افتادید» (مکی، ۱۳۴۳: ۱۷ و ۱۸). در پرده دوم، مسعود درباره نگرش خود می‌گوید:

را بازنمایی می‌کند: «در آن شب ظلمانی، شبی که به دنبال روز عاشورا آمد و جهان را در تاریکی ابدی فرو برد... زینب به هر طرف می‌دوید و نازدانه‌های برادر را جمع می‌کرد...» (مکی، ۱۳۴۳: ۸۵ تا ۸۷). این بازنمایی، ترکیبی از واقعیت و اسطوره است که مفهوم قربانی مقدس و مواجهه با شر را بازتاب می‌دهد.

«من آنها را برای خودشان دوست دارم. من آنها را دوست دارم برای اینکه رنج می‌برند و زحمت می‌کشند... ولی وقتی شرایط و موقعیتشان را در نظرم مجسم می‌کنم... دل‌سوزی و تعجب می‌کنم که چگونه با این شرایط راه نمی‌روند و نعره نمی‌کشند» (مکی، ۱۳۴۳: ۴۵).

در «جدول ۲» زیر سه شخصیت مسعود از نمایشنامه فرشته شکسته بال، تیشتر در اسطوره آب و امام حسین در روز عاشورا، از منظر اسطوره شناختی و با تمرکز بر الگوی قربانی مقدس مقایسه می‌شوند.

با قربانی شدن حسینعلی، نقطه عطفی در روند آگاهی جمعی شکل می‌گیرد. پیش از این، مردم تحت تأثیر روایت‌های محدودکننده بودند، اما کشته شدن او باعث شکسته شدن پرده توهم می‌شود. این فرایند نشان‌دهنده تعامل میان قربانی، شر و آگاهی اجتماعی است. پرده سوم، آقا جمال با هدایت حسین، مراسم عاشورا

در «جدول ۳»، سه شخصیت فریدون از نمایشنامه ناگهان، تیشتر از اسطوره‌های ایرانی (نبرد او با اپوش) و امام حسین از واقعه عاشورا، در محورهای مشترک بررسی می‌شوند.

۵.۱.۳. تحلیل تطبیقی یافته‌ها با تکیه بر نظریه شرژرژ باتای

با توجه به تحلیل پیشین، می‌توان دریافت

جدول ۲. مقایسه مسعود، تیشتر و امام حسین.

مؤلفه	تیشتر (اسطوره آب)	امام حسین (ع)	مسعود (نمایشنامه فرشته شکسته بال)
نقش و مأموریت	آوردن باران و نجات از خشکی	مبارزه با ظلم و احیای دین	تلاش برای آگاهی بخشی به خانواده و جامعه
نماد	نیروی حیات بخش طبیعت	عدالت و فداکاری در راه دین	عقل و آگاهی
مواع اصلی	دیو اپوش	ظلم سیاسی، جهل عمومی، دین تحریف شده	اسطوره‌های تحریف شده و چهره‌های جعلی
قربانی	قربانی‌ها موجب افزایش نیروی تیشتر	شهید راه حق، قربانی راه حق	حسینعلی قربانی م‌شود. مسعود طرد می‌شود
واکنش جامعه	بیداری و حیات	برخی بیدار می‌شوند و اکثریت در غفلت می‌مانند.	ابتدا بیداری و سپس عقب نشینی
نقش دین	عمل ایزدی و قدسی	دین راستین در برابر دین تحریف شده بزید	دین سطحی مانع آگاهی

جدول ۳. مقایسه فریدون، تیشتر و امام حسین

مؤلفه	تیشتر (اسطوره‌ی آب)	امام حسین (ع)	فریدون (نمایشنامه‌ی ناگهان)
نقش اصلی	نیروی ایزدی که باران می‌آورد	شهید راه حق برای زنده کردن دین	قربانی شونده برای ایجاد آنتی تز
نماد	عنصر آب، نیروی بارورکننده طبیعت	حقیقت و عدالت	قربانی مقدس
دشمن	دیو اپوش	حکومت ظلم و جهل یزید	طمع و سوظن مردم
کارکرد بعد از قربانی	باران می‌بارد و حیات ادامه پیدا می‌کند	آگاهی دینی و حرکت اصلاحی	مردم گمان می‌کنند حذف او موجب خوشبختی آنان می‌شود
نوع قربانی	قربانی مقدس برای افزایش نیرو و باروری زمین	قربانی آیینی مذهبی در تقابل با جهل حکومتی	قربانی اجتماعی

را می‌کشند و به خاک می‌سپارند، نمونه‌ای از شر اجتماعی است که به صورت قانونی نانوشته و جمعی اعمال می‌شود. پایین‌حال، قربانی شدن فریدون، کارکردی مثبت نیز دارد؛ او از طریق حذف خود، زمینه‌ای برای شکل‌گیری تحول و آگاهی جمعی فراهم می‌آورد. این همان روندی است که باتای آن را تجربه تراژیک شر می‌نامد: شر، به‌مثابه محرکی برای تغییر و بازتولید نظم اجتماعی و معنایی عمل می‌کند.

در نمایشنامه فرشته شکسته بال برای آگاهی بخشی به جامعه و مقابله با جهل و تحریف واقعیت، با شر مواجه می‌شود؛ شر در این اثر به شکل فشار اجتماعی، توهم جمعی و مقاومت ساختاری در برابر آگاهی ظاهر می‌شود. همان‌طور که مسعود می‌گوید:

«من آنها را برای خودشان دوست دارم. من آنها را دوست دارم برای اینکه رنج می‌برند و زحمت می‌کشند. اما گاهی اوقات از دست نادانی و حماقت بی‌پایان آنها به حد جنون عصبانی می‌شوم...» (مکی، ۱۳۴۳: ۴۵).

این دیالوگ، مواجهه مستقیم شخصیت با شر جمعی را نشان می‌دهد؛ رنج و جهل دیگران، او را در موقعیت تراژیک قرار می‌دهد، اما در عین

که هر دو نمایشنامه ناگهان از عباس نعلبندیان و فرشته شکسته بال از ابراهیم مکی، در بستر اجتماعی و فرهنگی ایران، مفهوم شر و قربانی شدن را به شیوه‌ای نمادین و اسطوره‌ای بازآفرینی می‌کنند. بر اساس نظریه ژرژ باتای، شر نه صرفاً به عنوان پدیده‌ای اخلاقی، بلکه به عنوان نیرویی ساختاری و تراژیک در روابط انسانی عمل می‌کند. باتای معتقد است که تجربه شر با قربانی شدن گره خورده و به‌نوعی، همزیستی خیر و شر، تعادل و دگرگونی را در ساختار اجتماعی و معنوی امکان‌پذیر می‌سازد (باتای، ۱۳۹۹: ۶۱).

در نمایشنامه ناگهان، فریدون به عنوان قربانی، نه فقط حذف شده از جریان زندگی اجتماعی، بلکه عنصر فعال در تحقق آنتی تز نمایشنامه است. همان‌طور که در دستور صحنه پایانی آمده است:

«سکون. سدای بسیار بلند شش ضربه زنجیر منظم و با فاصله، از یک دسته زنجیرزن. تکرار سدا. نور تندتر می‌شود. در اتاق فریدون باز می‌شود، او لخت‌لخت و به آرامی وارد حیاط می‌شود...» (نعلبندیان، ۱۳۵۰: ۵۵، ۵۶).

این توصیف نشان می‌دهد که قربانی شدن فریدون، عنصر شر را به شکل تراژیک وارد ساختار نمایش می‌کند. رفتار جمعی ساکنان محله، که او

سازنده و تحول آفرین عمل می‌کند. این روند کاملاً منطبق با نظریه باتای است که تجربه شر، امکان دست‌یابی به تعالی و آگاهی را فراهم می‌آورد (باتای، ۱۳۹۹: ۶۱)

در هر دو نمایشنامه، زبان و ساختار دراماتیک تفاوت‌های قابل توجهی دارند. ناگهان با بهره‌گیری از استعاره‌ها و توصیف‌های شاعرانه، فضا را اسطوره‌ای و نمادین می‌سازد؛ درحالی‌که فرشته شکسته‌بال با زبان رئالیستی و دیالوگ‌های مستقیم، تجربه شر را در قالب ملموس و روزمره به نمایش می‌گذارد.

با این وجود، در هر دو اثر، قربانی شدن شخصیت‌ها و مواجهه آنها با شر، محور اصلی حرکت روایت و نقطه عطف ساختاری نمایش است. تحلیل نقل‌قول‌ها و دستور صحنه‌ها نشان می‌دهد که عنصر زمان و مکان نیز در هر دو اثر نقش مؤثری در تقویت تجربه شر دارد. در ناگهان، صحنه پایانی با سکون، نور شدید و صدای زنجیر، تجربه‌ای از خشونت و فشار جمعی را به مخاطب منتقل می‌کند و در فرشته شکسته‌بال، وقایع روز عاشورا و واکنش دهاتی‌ها، تجربه‌ای عینی از ظلم، جهل و توهم جمعی ارائه می‌دهد. این مقایسه نشان می‌دهد که شکل‌گیری شر در هر دو اثر، هم‌زمان با شکل‌گیری آگاهی و تحول اخلاقی یا معنوی است.

در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهند که هر دو

حال، امکان تحقق خیر را از طریق آموزش و آگاهی فراهم می‌سازد. مرگ حسینعلی به دست برادرش، نقطه اوج شر در نمایشنامه است که باعث بیداری و حرکت جامعه به سمت آگاهی می‌شود، اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بازگشت به شعائر سطحی و تقلیدی، این فرایند را مختل می‌کند:

«در اسطوره دینی روز عاشورا، امام حسین (ع) به عنوان شخصیتی که برای بیداری جامعه قدم برمی‌دارد، قربانی می‌شود، زیرا جامعه‌ای که در تاریکی عادت کرده است، او را نمی‌پذیرد» (مکی، ۱۳۴۳: ۸۵-۸۷).

با مقایسه این دو نمایشنامه با اسطوره آب ایران باستان، درمی‌یابیم که در هر دو زمینه، عنصر قربانی شدن، تجربه‌ای از شر را با هدف ایجاد نظم یا بیداری معنوی رقم می‌زند. همان‌طور که تیشتر در نبرد با اپوش برای آوردن باران قربانی‌ها را دریافت می‌کند، فریدون و حسینعلی نیز از طریق قربانی شدن خود، تغییرات ساختاری و معنایی در جامعه ایجاد می‌کنند.

«جدول ۴»، این مقایسه را به صورت هم‌زمان نشان می‌دهد:

تحلیل این جدول نشان می‌دهد که در هر سه مورد، قربانی شدن شخص یا نیرو، واسطه‌ای برای تحقق خیر و نظم است و شر، نه به عنوان پدیده‌ای منفعل، بلکه به عنوان نیروی فعال،

جدول ۴. مقایسه تیشتر، حسینعلی و فریدون

مؤلفه	تیشتر (اسطوره آب)	حسینعلی (نمایشنامه فرشته شکسته‌بال)	فریدون (نمایشنامه ناگهان)
نقش قربانی	قربانی برای باروری و پیروزی بر خشکی	قربانی راه حق برای بیداری جامعه	حذف شده برای تحقق آنتی‌تز
نماد	عنصر آب، نیروی حیات‌بخش	عدالت، حقیقت، فداکاری	قربانی مقدس اجتماعی
نوع شر	دیو خشکسالی و بازدارنده طبیعت	ظلم سیاسی و جهل عمومی	شر اجتماعی و طمع جمعی
کارکرد بعد از قربانی	بازگشت حیات و بارش باران	آغاز آگاهی دینی و اصلاح اجتماعی	ایجاد تحول و آگاهی جمعی

ساختاری است. تحلیل دستور صحنه‌ها، نورپردازی، سکوت و دیالوگ‌ها نشان می‌دهد که زبان دراماتیک و عناصر اجرایی، نقش مؤثری در انتقال تجربه شر و تعمیق اثر نمادین قربانی شدن دارند.

تحلیل نقل قول‌ها نیز تأکید می‌کند که در هر دو اثر، شخصیت‌ها در مواجهه با شر، تجربه‌ای تراژیک و هم‌زمان سازنده دارند. فریدون، با حذف خود، زمینه تحول جمعی و ایجاد آگاهی را فراهم می‌کند؛ حسینعلی، با تحمل ظلم و قربانی شدن، موجب بیداری و آگاهی دینی-اجتماعی می‌شود. این تحلیل همسو با نظریه باتای است که شر، فارغ از ماهیت منفی ظاهری، عاملی برای ایجاد تعادل و بازتولید ارزش‌های انسانی و اخلاقی است.

جدول مقایسه‌ای مؤلفه‌های شر و قربانی شدن در هر دو اثر نشان داد که عنصر قربانی، نه تنها نقطه اوج تراژدی بلکه ابزاری برای تحقق خیر جمعی و بازسازی نظم اجتماعی است. در هر دو نمایشنامه، قربانی شدن شخصیت‌ها با تجربه‌ای از آگاهی، بازسازی معنا و بازتولید ساختارهای اجتماعی و فرهنگی همراه است. این امر نشان می‌دهد که نمایشنامه‌های ایرانی، با بهره‌گیری از اسطوره‌ها و سنت‌های دینی-فرهنگی، توانسته‌اند مفهومی پیچیده از شر و قربانی شدن را در بستر مدرن بازتولید کنند.

یکی دیگر از یافته‌های مهم، نقش مکان و زمان در شکل‌گیری تجربه شر است. در *ناگهان*، سکون، نور و صدای زنجیر، تجربه‌ای از فشار جمعی و خشونت تراژیک ایجاد می‌کند؛ در *فرشته شکسته‌بال*، واقعه عاشورا و واکنش جمعی روستاییان، تجربه شر را ملموس و عینی می‌سازد. این تفاوت در زبان اجرایی و ساختار دراماتیک، نشان‌دهنده انعطاف نظریه باتای در تفسیر شر به عنوان پدیده‌ای هم‌زمان نمادین و واقعی است.

در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهند که نظریه شر باتای می‌تواند چارچوبی علمی و منسجم

نمایشنامه، با استفاده از ساختار «قربانی مقدس» و مواجهه تراژیک با شر، بازتولید اسطوره‌های ایرانی و مذهبی را در بستر اجتماعی مدرن ممکن ساخته‌اند. قربانی شدن شخصیت‌ها، فارغ از تفاوت در نوع نمایش و زبان، همواره به عنوان موتور محرک تحول و بازآفرینی معنای اخلاقی و اجتماعی عمل می‌کند. این تحلیل نشان می‌دهد که تجربه شر، در کنار قربانی شدن، نه تنها تهدیدی برای شخصیت‌ها و جامعه نیست، بلکه عامل اصلی دستیابی به آگاهی، نظم و تحقق خیر جمعی است؛ همان‌گونه که نظریه ژرژ باتای بر آن تأکید دارد.

۶- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تحلیل تطبیقی دو نمایشنامه *ناگهان* و *فرشته شکسته‌بال* در چارچوب نظریه شر ژرژ باتای نشان می‌دهد که تجربه شر، نه به عنوان پدیده‌ای منفعل یا صرفاً اخلاقی، بلکه به عنوان نیرویی فعال و تراژیک، نقش محوری در ساختار دراماتیک و معنایی آثار ایفا می‌کند. در هر دو نمایشنامه، عنصر قربانی شدن شخصیت‌ها - فریدون در *ناگهان* و حسینعلی در *فرشته شکسته‌بال* - موجب شکل‌گیری تحول، بازآفرینی نظم اجتماعی و معنوی، و ایجاد آگاهی در جامعه می‌شود. همان‌طور که باتای تأکید می‌کند، شر همواره همراه با خیر و خلاقیت تراژیک عمل می‌کند و تجربه آن، امکان تعالی و بازسازی ارزش‌ها را فراهم می‌آورد. (باتای، ۱۳۹۹: ۴۹ و ۵۰)

یکی از یافته‌های کلیدی این مطالعه، تقابل شر جمعی و شر فردی است. در *ناگهان*، شر بیشتر به صورت فشار اجتماعی و حذف جمعی شخصیت ظاهر می‌شود، در حالی که در *فرشته شکسته‌بال*، شر علاوه بر بعد جمعی، با جهل، ظلم و توهم فردی نیز پیوند دارد. این تفاوت نشان‌دهنده تنوع شیوه‌های نمایش و روایت تراژیک است، اما در هر دو اثر، قربانی شدن شخصیت‌ها، موتور محرک روایت و نقطه عطف

درک ژرف‌تری از کهن‌الگوی قربانی در بسترهای فرهنگی گوناگون منجر شود. همچنین، تحلیل نشانه‌شناختی مفاهیم اسطوره‌ای در ادبیات معاصر فارسی می‌تواند ابعاد تازه‌ای از بازتولید ناخودآگاه جمعی و اسطوره در هنر معاصر را نشان دهد. بررسی و تحلیل روان‌کاوانه شر و قربانی در اسطوره و ادبیات با استفاده از نظریات یونگ، لکان، یا جوزف کمبل می‌تواند تبیین عمیق‌تری از کارکرد روان‌شناختی شر و قربانی در اساطیر ارائه دهد و مسیرهای تازه‌ای برای تحلیل آثار نمایشی فراهم سازد.

برای تحلیل آثار نمایشی فراهم آورد که در آن قربانی شدن شخصیت‌ها و مواجهه با شر، عامل اصلی حرکت روایت، شکل‌گیری تراژدی و بازآفرینی ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی است. تجربه شر، در این تحلیل، همواره به صورت فعال و خلاق عمل می‌کند و مرز میان خیر و شر، فداکاری و ظلم، قربانی و آگاه، به‌طور هم‌زمان آشکار و بازتعریف می‌شود.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، چند مسیر مهم دنبال گردد؛ از جمله مطالعه تطبیقی گسترده‌تر میان اسطوره‌های شرقی و غربی که می‌تواند به

پی‌نوشت‌ها

1. Persian Mythology – John R. Hinnell
۲. این نام در پارسی میانه spinjaruš یا spinjağr و در اوستایی sponjağrya و spina uruška آمده‌است.
3. Xrafstra
4. Indra
5. Vritra
6. Soma
7. Indian Mythology – Veronica Ions
8. Literature and Evil – Georges Bataille
9. Emily Jane Brontë
10. Marcel Proust
11. Marquis de Sade

فهرست منابع

- باتای، ژرژ (۱۹۹۹)، *ادبیات و شر مضمون شر در آثار امیلی برونته، مارسل پروست، مارکی دوساد*، ترجمه: فرزاد کریمی تهران: نشر سیب سرخ
- بارانی، محمد، خانی، احسان (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند*
- بهار، مهرداد (۱۳۵۱). *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: نشر آگه
- بیضایی، بهرام (۱۴۰۱). *ریشه‌یابی درخت کهن*، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان
- بیگی، صدیقه (۱۴۰۰). *بررسی شخصیت‌های اسطوره آفرینش آب در اساطیر ایران و هند*
- چلکوفسکی، پیتر (۱۳۸۴). *تعزیه: آیین و نمایش ایران*، ترجمه: حاتمی، تهران: نشر سمت
- روزنبرگ، دونالد (۱۴۰۲). *اساطیر جهان*، ترجمه: عبدالحسین، شریفیان، تهران: نشر اساطیر
- شریعتی، علی (۱۴۰۰). *حسین وارث آدم*، چاپ سیزدهم، نشر سپیده باوران
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۲). *زمین در فقه اسلامی*، نشر دفتر نشر و فرهنگ اسلام
- مکی، ابراهیم (۱۳۴۳). *فرشته شکسته بال*، نشر کاویان
- نصر، سید حسن (۱۳۷۴). *هنر و معنویت اسلامی*، ترجمه: محمدسعید حنایی کاشانی، *فصلنامه هنر*، شماره ۲۸
- نعلبندیان، عباس (۱۳۵۰). *ناگهان / هذا حبیب الله مات فی حب الله هذا قتیل الله مات بسیف الله*، نشر کارگاه نمایش
- هینلز، جان (۱۳۸۳). *اساطیر ایران*، ترجمه: باجلان فرخی، نشر اساطیر